یادداشت

لغز و نکته

ادامه از صفحه اول

این وضعیت وقتی شدیدتر می‌شود که افراد در معرض عوامل استرس‌زایی مثل زمان‌های طولانی کار، شب‌کاری و کار در تعطیلات آخر هفته قرار گرفته و بدون استراحت کافی در معرض مواد خطرناک محیطی نیز قرار می‌گیرند. این شرایط، فرسودگی شغلی، غیبت و کاهش بهره‌وری در محیط کار را به دنبال خواهد داشت. بسیاری از مواقع ترس از اخراج‌شدن، عامل اصلی اعتراض‌نکردن کارکنان به صاحبان مشاغل است. فیلم «عصر جدید» چاپلین به‌خوبی توضیحات فوق را به تصویر می‌کشد که چگونه چارلی به علت شرایط سخت کار، مجنون شده و مجبور می‌شوند او را بستری کنند. نظریه آسیب‌پذیری به استرس به‌روشنی این شرایط را تبیین می‌کند که به چه نحوی استرس‌های بیرونی منجر به فعال‌شدن انواع آسیب‌های افراد در حوزه‌های مختلف جسمانی یا روان‌شناختی شده و آنها را از کار می‌اندازد. از این‌رو به نظر می‌رسد که توجه به سلامت روان کارکنان در محیط‌های صنعتی و معدنی اهمیت به‌مراتب بیشتری در مقایسه با محیط‌های کاری خدماتی و تجاری داشته باشد. تعیین دستمزد منصفانه کارگران و تحت پوشش قرارگرفتن آن در زیر چتر بیمه‌های تکمیلی، اساسی‌ترین مسائلی است که نقش مهمی در تأمین سلامت روان آنان ایفا خواهد کرد. اگر قوانین کار به‌درستی در محیط‌های کار به اجرا درآیند، مهم‌ترین اقدام در به خطر نیفتادن سلامت روان به حساب می‌آید. بدیهی است که محیط کاری ایمن و انسانی، عامل محافظ قدرتمندی در برابر افسردگی و متعاقبا خودکشی افراد خواهد بود. وقتی صاحبان مشاغل برای سلامت روان کارکنان ارزش قائل شده و فعالانه درصدد رفع عوامل آسیب‌زننده به آن باشند، آنان شاهد کاهش غیبت، سوانح حین کار، مشاجره بین کارکنان و در یک کلام، افزایش بهره‌وری خواهند بود. یکی از جامع‌ترین پژوهش‌هایی که در زمینه ارتقای سلامت روان در محیط‌های کار انجام شده است، پژوهش مرجعی است که مرحوم دکتر دماری و همکاران در سال ۱۳۹۸ انجام دادند؛ در این پژوهش فقدان بهداشت و ایمنی محیط کار، رعایت‌نشدن جایگاه و کرامت انسانی، جو روانی نامساعد در محیط کار، مدیریت نامناسب و ناامنی شغلی به‌عنوان پنج عامل مهم در سلامت روان محیط‌های کاری مطرح شده است.

مطمئنا اگر سیاست‌گذار و مشخصا وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یافته‌های این پژوهش را مبنای سیاست‌گذاری خود قرار داده بود، فضای محیط‌های کار کشور حتما کارآمدتر بود. با وجود غفلت‌های صورت‌گرفته، ازجمله مواردی که در سال‌های اخیر شاهد آن بودیم، طرح شناورشدن ساعت کار اداره‌های بخش‌های دولتی در تهران است. اگرچه این موضوع برای کاهش بار ترافیک در ساعت‌های اوج بوده، ولی در بهبود سلامت روان کارکنان بخش دولتی مفید بوده است؛ چراکه با کاهش استرس در آنان برای اینکه رأس ساعت مقرر در سر کار حاضر شوند، افزایش آسایش روان‌شناختی آنان را به دنبال داشته است. علاوه بر نقش مهم افزایش توجه به شرایط کار، حقوق مناسب و تسهیلات رفاهی، ترغیب مدیران کارخانه‌های صنعتی و صاحبان کارگاه‌های کوچک و مشاغلی که بیش از ۱۰ نفر نیرو دارند، به اجرای برنامه‌های ارتقای سواد سلامت روان کارکنان، موضوعی است که افزایش بهره‌وری محیط‌های کاری را به دنبال خواهد داشت. ارزیابی روان‌شناختی کارکنان اولین قدم در طراحی و اجرای برنامه‌های ارتقای سلامت روان در محیط کار محسوب می‌شود. ارائه تسهیلات روان‌درمانی برای افرادی که درگیر مسائل و مشکلات روان‌شناختی هستند از یک سو و برگزاری برنامه‌های آموزشی منظم به منظور پیشگیری از اختلالات از سوی دیگر، حوزه‌های اصلی هستند که صاحبان مشاغل می‌توانند با مشورت از متخصصان، آنها را در برنامه‌های سلامت روان لحاظ کنند. اطلاعاتی در دسترس نیست که نشان دهد محیط‌های کار اعم از دولتی و غیردولتی، به شکل مشخص در زمینه ارتقای سلامت روان کارکنان و پیشگیری از ابتلای آنان به انواع اختلالات روان‌شناختی چقدر هزینه می‌کنند، ولی احتمال کمی وجود دارد که آن‌چنان هزینه‌ای در این حوزه راهبردی صرف شود. روشن است تا زمانی که وزارت بهداشت، سازمان نظام روان‌شناسی، سازمان بهزیستی و انجمن روان‌شناسی ایران به‌عنوان چهار ضلع اصلی حوزه سلامت روان کشور طی تعاملات بین‌بخشی باکیفیت، برنامه موجود برای ارتقای سلامت روان کارکنان را ارزیابی و مدیران و صاحبان مشاغل، ملزم به اجرای برنامه‌های اثربخش نشوند و بیمه‌ها، خدمات روان‌شناختی اعم از مداخلات درمانی و پیشگیرانه را پوشش ندهند، امیدی به کاستن رنج کارکنان در انواع محیط‌های کاری نخواهد بود. بدیهی است که بی‌توجهی به پدیده رایج فرسودگی شغلی، منجر به شکل‌نگرفتن هویت شغلی خواهد شد؛ موضوعی که نقش بسیار مهمی در فضای اقتصادی کشور دارد. البته نمی‌توان منکر نقش خلاقیت و دلسوزی برخی از مدیران و صاحبان مشاغل در بهبود شرایط روان‌شناختی کارکنان و رشد و موفقیت آنان شد. زندگی «علی قدیمی» که به‌عنوان دونده اسکای رانینگ شناخته می‌شود و دارای مقام‌های کشوری و بین‌المللی است، به‌شدت به صاحب‌کار او مربوط است. او که علاقه علی را به دویدن می‌بیند، شرایطی را برای او فراهم می‌کند که بتواند بیشتر تمرین کند. این موضوع، دلگرمی ویژه‌ای را برای علی فراهم کرده و با سخت‌کوشی از این شرایط حداکثر استفاده را کرده و در آستانه ۳۰سالگی مرحله جدیدی را در زندگی خود آغاز می‌کند. در محیط‌های کاری اداری نیز کارشناسان به دلایل مختلفی فرسوده شده و خیلی از اوقات، این فرسودگی ناشی از فضای کار، به شخصیت و فردیت آنان تقلیل داده شده و هیچ برنامه‌ریزی برای کاهش فرسودگی در این محیط‌ها نمی‌شود. روشن است که این وضعیت، نارضایتی ارباب‌رجوع را از سرعت انجام امور و نحوه پاسخ‌گویی به دنبال خواهد داشت. شاید لازم باشد که نکته پایانی به جدی‌نگرفتن اهمیت تبلیغاتی هفته سلامت روان از طرف سیاست‌گذاران اصلی آن اختصاص یابد. روشن است که روز سلامت روان، فرصت مناسبی است که با اقدامات خلاقانه، توجه جامعه به موضوعی که دستمایه شعار سال قرار گرفته است، جلب شده و به‌این‌ترتیب تا سال آینده زمینه تقویت آن حوزه فراهم شود. اگر سری به سایت چهار ساختار ذکرشده بزنید، فقط در سایت سازمان نظام مشاهده می‌کنید که شعار امسال کار شده است؛ بدون اینکه هیچ متن، تصویر، اینفوگرافی و... وجود داشته باشد. در کلان‌شهری مثل تهران، هیچ بیلبوردی را نمی‌بینید که توجه شهروندان را به اهمیت سلامت روان شاغلان در محیط‌های کار جلب کند؛ شهروندانی که بخش اعظم آنان حتما در بخش‌های مختلف کاری مشغول به کار هستند یا مدیریت محیط‌های کاری را در مقیاس‌های مختلف بر عهده دارند. البته این موضوع در شهرستان‌ها پررنگ‌تر بوده و ادارات مرتبط با سلامت روان، با وجود بودجه‌های ناچیز، سال‌هاست که تلاش می‌کنند آگاهی مردم را به شعار سال جلب کرده و با تخفیف جلسات مشاوره و روان‌درمانی، جلسه‌های سخنرانی، توزیع بروشور و دیگر شیوه‌های مرسوم، حداقلی از اقدامات را به اجرا درآورند. خیل عظیمی از دانش‌آموختگان رشته‌های مربوط به سلامت روان و فراهم‌کردن خلاقیت‌ورزی برای آنان، نیروی بالقوه‌ای است که می‌توان در برگزاری این روز به بهترین نحو از آنان استفاده کرد؛ به‌ویژه آنکه در کشور ماازسال‌ها قبل روز سلامت روان به هفته تبدیل شده و وزارت بهداشت متولی اصلی اجرای آن است که معمولا یک روز زودتر هم شروع می‌شود. آیا واقعا قبل از خواندن این متن می‌دانستید که از دیروز هفته سلامت روان در کشور آغاز شده است؟

گفت حافظ لغز و نکته به یاران مفروش/ آه از این لطفِ به انواع عتاب آلوده

انتشار بخش‌هایی از کتاب تازه «باب وودوارد»، روزنامه‌نگار کهنه‌کار آمریکایی

از فریادهای بایدن تا رفاقت ترامپ و پوتین

تازه‌ترین کتاب باب وودوارد، روزنامه‌نگار سرشناس آمریکایی که نامش با رسوایی واترگیت در دوران ریاست‌جمهوری ریچارد نیکسون گره خورده، می‌تواند مدت‌ها رسانه‌ها را مشغول خود کرده و گوشه‌ای از پشت پرده روابط رهبران جهان را افشا کند. کتاب جدید وودوارد که «جنگ» نام دارد و قرار است هفته آینده منتشر شود، به مناسبات جو بایدن و دونالد ترامپ، رؤسای جمهور فعلی و پیشین آمریکا با رهبران دیگر کشورها پرداخته است. بر اساس نوشته‌های کتاب باب وودوارد که حاصل گفت‌وگوهای متعدد او با بایدن، تونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا و مقامات ارشد دیگر و دسترسی به اسناد و مکاتبات است، جو بایدن، رئیس‌جمهور ایالات متحده، پس از ورود نیروهای ارتش اسرائیل به رفح، نخست‌وزیر اسرائیل را یک «دروغ‌گوی حرامزاده» خطاب کرده است. بخش‌هایی از این کتاب از سوی سی‌ان‌ان منتشر شده و بر اساس آن، رئیس‌جمهور آمریکا پس از حمله هوایی اسرائیل و هدف قراردادن یک فرمانده ارشد حزب‌الله، بر سر بنیامین نتانیاهو فریاد کشیده است. در بخش دیگری از این کتاب بایدن در ماه آوریل در یک تماس تلفنی از نتانیاهو پرسیده که راهبرد او برای جنگ در غزه چیست و نخست‌وزیر اسرائیل هم در پاسخ گفته است سربازان اسرائیل باید به شهر رفح در مرز مصر بروند تا آخرین پایگاه حماس را نابود کنند. این پاسخ نتانیاهو خشم بایدن را به همراه داشته و با عصبانیت به او گفته است: «بی‌بی تو هیچ راهبردی نداری». نیروهای اسرائیلی در ماه مِی وارد رفح شدند و تعداد جان‌باختگان غیرنظامی به شکل قابل توجهی افزایش یافت. این شرایط حتی خشم مصر را هم به همراه داشت و این کشور نسبت به طغیان این شرایط ابراز نگرانی کرده بود. باب وودوارد در بخش دیگری از کتاب خود به نخستین حمله موشکی ایران در پاسخ به حمله اسرائیل به ساختمان کنسولگری ایران در دمشق پرداخته و تأکید می‌کند بایدن از نتانیاهو خواسته به آن حمله ایران پاسخی ندهد و برنده این مناقشه شود. بر اساس این کتاب، رئیس‌جمهور آمریکا پاسخ محدود اسرائیل به حمله ایران را موفقیت‌آمیز دانسته و خطاب به مشاورانش گفته است: «می‌دانم که او قرار است کاری انجام دهد اما روشی که من آن را توصیه می‌کنم این است که به او بگویم هیچ کاری نکن».

باب وودوارد در بخش دیگری از کتاب خود نوشته است جو بایدن پس از ورود سربازان اسرائیلی به رفح درباره نتانیاهو گفته است: «او یک دروغ‌گوی حرامزاده است. او آدم بدی است. یک آدم لعنتی است».

پیش از این سایت پولیتیکو هم گزارش داده بود که جو بایدن از آن عبارت درباره بنیامین نتانیاهو استفاده کرده، اما کاخ سفید به‌سرعت چنین روایتی را تکذیب کرده بود. بخش دیگری از این کتاب به ترور فؤاد شکر، فرمانده ارشد نظامی حزب‌الله مربوط می‌شود. نویسنده در این بخش می‌نویسد جو بایدن در گفت‌وگوی خود با بنیامین نتانیاهو با فریاد خطاب به نخست‌وزیر اسرائیل چنین گفته است: «بی‌بی لعنتی، با این اقدامات تصور جهانی از اسرائیل به‌طور فزاینده‌ای این است که شما یک کشور سرکش و بازیگری سرکش هستید».

در روزهای اخیر هم گزارش‌های مختلفی درباره اعمال فشار بیشتر دولت آمریکا به اسرائیل برای اینکه واکنش شدیدی به حمله ایران نشان ندهد منتشر شده است. بااین‌حال اکسیوس به نقل از منابع آمریکایی نوشته است مسئولان کاخ سفید دیگر به توضیحات مقامات اسرائیلی درباره برنامه‌های خود برای پاسخ به حمله ایران اعتماد ندارند.

آگاهی از حمله روسیه به اوکراین

طبق کتاب وودوارد، مقامات آمریکایی در اکتبر ۲۰۲۱ از برنامه روسیه برای حمله به اوکراین با ۱۷۵ هزار سرباز آگاه شدند. او در وصف اشراف اطلاعاتی آمریکا مدعی شد: «اطلاعات به قدری دقیق بود که بسیاری فکر می‌کردند نیروهای اطلاعاتی آمریکا در کرملین مأمور داشتند». اما به ادعای وودوارد در ابتدا دولت بایدن و متحدان او با وجود اطمینان خود از جدیت روسیه در حمله به اوکراین، این مسئله را باور نداشتند. طبق گزارش وودوارد، بایدن در پاسخ به «بیل برنز»، رئیس سازمان سیا، درباره برنامه پوتین برای حمله به اوکراین گفت: «این دیوانگی است. حالا من باید با بلعیده‌شدن اوکراین توسط روسیه مقابله کنم؟».

طبق کتاب این روزنامه‌نگار مشهور، بایدن در دسامبر ۲۰۲۱ یک مرتبه در کنفرانسی ویدئویی و یک مرتبه دیگر در تماس تلفنی حدود یک‌ساعته با پوتین درباره این حمله صحبت کرده بود. وودوارد گزارش کرد در این گفت‌وگوی تلفنی که ۵۰ دقیقه به طول انجامیده بود، رؤسای جمهور آمریکا و روسیه یکدیگر را به جنگ هسته‌ای تهدید کردند و در نهایت بایدن به همتای روس خود گفت که «هیچ‌کس در جنگ هسته‌ای پیروز نخواهد شد».

وودوارد همچنین گزارش کرد «ولودیمیر زلنسکی»، رئیس‌جمهور اوکراین، در ابتدا اطلاعات آمریکایی‌ها را باور نکرد و در طول دیدار «کامالا هریس»، معاون بایدن، با زلنسکی در فوریه ۲۰۲۲ و چند روز پیش از حمله روسیه، هریس به رئیس‌جمهور اوکراین گفت به دنبال فردی جایگزین باشد. طبق گزارش این روزنامه‌نگار تحقیقی، هریس بر این باور بود که دیدار او با زلنسکی در فوریه ۲۰۲۲، آخرین دیدار آنها خواهد بود. وودوارد همچنین در بخشی از کتاب خود تحت عنوان «جنگ» مدعی شد در سپتامبر ۲۰۲۲، رئیس‌جمهور روسیه برای «جبران تلفات سنگین نیروهای خود در میدان جنگ» در پی استفاده از تسلیحات هسته‌ای بود. طبق ادعای وودوارد، در سپتامبر ۲۰۲۲، سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا احتمال استفاده از تسلیحات هسته‌ای توسط روسیه را ۵۰ درصد تخمین زدند که به نگرانی فزاینده مقامات آمریکایی انجامید. وودوارد گزارش داد بایدن در واکنش به این خطر، به‌سرعت به «جیک سالیوان»، مشاور امنیت ملی خود دستور داد به مقامات روسیه واکنش آمریکا به این تحول را «اطلاع دهد». این کتاب همچنین به گفت‌وگوی تند «لوید آستین»، وزیر دفاع آمریکا و «سرگئی شویگو»، وزیر دفاع وقت روسیه، در اکتبر ۲۰۲۲ می‌پردازد.

درباره گفت‌وگوی دو وزیر دفاع آمریکا و روسیه در کتاب وودوارد آمده است: «آستین به همتای روس خود گفت در صورت استفاده از تسلیحات هسته‌ای، همه محدودیت‌ها در اوکراین برداشته خواهد شد». وودوارد همچنین نوشت آستین به شویگو گفت: «این می‌تواند روسیه را بسیار بیشتر از گذشته در سطح جهانی منزوی کند». وزیر دفاع روسیه نیز در واکنش به اظهارات آستین گفت کشورش از تهدیدات آمریکا استقبال نخواهد کرد. این روزنامه‌نگار آمریکایی همچنین مدعی شد چندین روز پس از این تماس، مقامات روسیه با همتایان آمریکایی خود تماس گرفتند تا تلاش اوکراین برای نشر گزارشات اشتباه را اعلام کنند که با ناباوری مقامات آمریکایی روبه‌رو شد. وودوارد درباره این تماس‌ها نوشت: آستین به شویگو گفت این اطلاعات را باور نمی‌کند و فقط به او گفت «نکن» و شویگو نیز گفت «متوجه هستم».

روابط نزدیک ترامپ و پوتین

وودوارد همچنین به روابط «نزدیک» ترامپ و پوتین پرداخت و نوشت: «در سال ۲۰۲۰ و در اوج همه‌گیری کووید۱۹، ترامپ دستگاه‌های تست کووید برای مصرف شخصی پوتین برای او ارسال کرد». اما این روزنامه‌نگار آمریکایی در ادامه مدعی شد پوتین به همتای آمریکایی خود گفت: «لطفا به هیچ‌کس نگو که این دستگاه‌ها را ارسال کردی؛ چون همه خشمگین خواهند شد. آنها به من اهمیتی نمی‌دهند. به خاطر خودت می‌گویم». البته بخش مهم کتاب ادعایی وودوارد، گزارش او درباره تماس‌های ادامه‌یافته بین ترامپ و پوتین پس از خروج رئیس‌جمهور پیشین آمریکا از کاخ سفید است. وودوارد به نقل از افراد نزدیک ترامپ ادعا کرد از سال ۲۰۲۱ تاکنون، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و رئیس‌جمهور روسیه دست‌کم هفت مرتبه با یکدیگر گفت‌وگوی تلفنی داشته‌اند. البته «جیسون میلر»، یکی از افراد نزدیک ترامپ، در پاسخ به ادعای وودوارد به او گفته است تا جایی که او اطلاع دارد، چنین تماس‌هایی رخ نداده است.

عربستان و مسئله فلسطین

وودوارد در ادامه کتاب خود به میزان اهمیت مسئله فلسطین برای «محمد بن‌سلمان»، ولیعهد عربستان سعودی، پرداخت و نوشته است: «پس از وقوع جنگ غزه، آنتونی بلینکن، وزیر خارجه آمریکا، به‌سرعت راهی منطقه شد. پس از رسیدن او به عربستان سعودی، محمد بن‌سلمان، هیئت آمریکایی را تا آخر شب نادیده گرفت». به نوشته وودوارد، بلینکن، محمد بن‌سلمان را «کودکی لوس» توصیف کرده است. اما بخش مهم مطلب او درباره دیدار بلینکن و ولیعهد عربستان، درباره مسئله فلسطین است. به ادعای وودوارد، محمد بن‌سلمان در پاسخ به سؤال بلینکن درباره شدت اهمیت مسئله فلسطین برای عادی‌سازی روابط ریاض و تل‌آویو گفت: «آیا تشکیل کشور مستقل فلسطین را من می‌خواهم؟ برایم مهم نیست. اما آیا به آن نیاز دارم؟ قطعا!».

گزارش

ادعای نتانیاهو درباره حزب‌الله

نخست‌وزیر اسرائیل طی پیامی ویدئویی از دفترش ادعا کرد که در جریان حملات هوایی اسرائیل، دو جانشین سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان هم پس از او هدف حملات اسرائیل قرار گرفتند و زنده نیستند. نتانیاهو در این ویدئو ادعا کرده که «ما توانایی‌های حزب‌الله را تضعیف کرده‌ایم. ما جانشین نصرالله و جایگزین جانشین نصرالله را از بین برده‌ایم». او در این پیام به نام این دو فرد اشاره نکرد و هنوز مشخص نیست که نتانیاهو در گفته‌های خود درباره «جایگزینِ جانشین» به چه کسی اشاره می‌کند. یوآو گالانت، وزیر دفاع اسرائیل نیز در اظهاراتی گفته است هاشم صفی‌الدین، فردی که انتظار می‌رود جانشین نصرالله شود، احتمالا زنده نیست و در حملات اسرائیل به بیروت جان خود را از دست داده است.

دانیل هگاری، سخنگوی ارتش اسرائیل نیز با بیان اینکه اسرائیل می‌داند هاشم صفی‌الدین هنگام بمباران مقر اطلاعاتی حزب‌الله توسط جنگنده‌های اسرائیلی، در آنجا حضور داشته است، افزود وضعیت او «در حال بررسی است و به محض اطلاع‌رسانی، آن را اعلام خواهیم کرد». به نوشته رویترز، هاشم صفی‌الدین از زمان این حمله هوایی در ملأ عام دیده نشده است. این حمله بخشی از تشدید حملات اسرائیل پس از یک سال درگیری‌های مرزی با حزب‌الله بوده است. در پی حمله هوایی اسرائیل به بیروت، سرنوشت جانشین احتمالی سیدحسن نصرالله، رهبر حزب‌الله، نامشخص است. یک منبع امنیتی لبنان به سی‌ان‌ان گفت که حزب‌الله پس از این حمله ارتباط خود را با هاشم صفی‌الدین قطع کرده است. یک مقام اسرائیلی پیش‌تر به سی‌ان‌ان گفته بود این فرد هدف این حمله بوده است اما هنوز از سرنوشت دقیق او اطلاعی در دست نیست. صفی‌الدین پسرعموی مادری سیدحسن نصرالله است و گفته می‌شود که این دو نفر در اوایل دهه ۱۹۸۰ با هم در ایران تحصیل کردند. در همین حال، خدمات اورژانس اسرائیل خبر داد که دو شهروند بر اثر حملات راکتی از لبنان در شهر شمالی کریات شمونا کشته شدند. این نخستین تلفات غیرنظامی در اسرائیل از زمان آغاز حمله زمینی ارتش اسرائیل به جنوب لبنان و ادامه حملات هوایی به نقاط مختلف لبنان برای ضربه‌زدن به مواضع، زیرساخت‌ها و مهمات گروه حزب‌الله است. کریات شمونا به دلیل نزدیکی به مرز لبنان، منطقه بسته نظامی اعلام شده و در روزهای اخیر به شکل مداوم هدف راکت‌های حزب‌الله بوده است. حزب‌الله در روزهای اخیر صدها راکت به شمال اسرائیل پرتاب کرده که باعث شد ارتش اسرائیل روز سه‌شنبه حکم به تعطیلی مدارس در این مناطق برای ایمنی شهروندان خود دهد.

کلید حل FATF کجاست؟

ادامه از صفحه اول

بسیاری از مخالفان تصویب لوایح دوگانه مورد تاکید گروه اقدام مالی در ایران، به مصداق ضرب‌المثل معروف «آب که از سر گذشت، چه یک وجب چه صد وجب» معتقد بوده و هستند که با وجود تحریم‌های آمریکا و محدودیت‌های شدید موجود در مناسبات پولی و بانکی بین‌المللی ایران، تصویب‌شدن یا تصویب‌نشدن دو لایحه پالرمو و CFT و به دنبال آن واردشدن یا واردنشدن به لیست سیاه، تأثیری به حال ایران ندارد و بنابراین لزومی به تصویب این لوایح و اجرای توصیه‌های گروه اقدام مالی که اعضای آن کشورهای پیشرفته غربی هستند، نیست. موضوعی که باعث بازگشت ایران به لیست سیاه FATF در سال ۱۳۹۸ شد و این حضور تاکنون ادامه داشته و هزینه‌های سنگینی را به کشور تحمیل کرده است.

دولت دوازدهم به ریاست حسن روحانی تلاش زیادی را به خرج داد که این دو لایحه در مجمع تشخیص به تصویب برسد، اما گویا مجمع بر اساس مباحثی که در مناظرات انتخاباتی ریاست‌جمهوری چهاردهم مشخص شده، تنها تصمیم‌گیرنده در این زمینه نبوده و در این ماجرا پای نهادهای امنیتی مانند شورای عالی امنیت ملی هم باز شده است؛ چه اینکه در یکی از مناظره‌ها مصطفی پورمحمدی، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری اعلام کرد «سال ۱۳۹۵ بنده و طیب‌نیا به شورای عالی امنیت ملی رفتیم، من مفصل صحبت کردم درباره مشکلات FATF؛ ما گفتیم این وضعیت پول‌شویی مناسب نیست. ایشان (سعید جلیلی) پایان جلسه گفت اگر تو مسئول باشی ما قبول داریم ولی بقیه آقایان را قبول نداریم. ما باید اصل موضوع را حل کنیم». این ادعا مؤید این مهم است که برنامه‌ریزی هماهنگی برای مسکوت نگه‌داشتن موضوع FATF در زمان دولت روحانی به دلیل بی‌اعتمادی نسبت به دولتمردان آن شکل گرفته بود.

روی کار آمدن دولت سیزدهم فرصتی برای تعیین تکلیف لوایح دوگانه باقی‌مانده FATF در مجمع تشخیص مصلحت نظام به لحاظ ایجاد هماهنگی و ارتقای سطح اعتماد میان دولت و دیگر نهادهای تصمیم‌گیر مانند مجلس، شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت و شورای عالی امنیت ملی بود. اما با وجود آمادگی نهادهایی مانند مجمع تشخیص برای ورود دوباره به لوایح دوگانه و بررسی آنها با توجه به شرایط سیاسی جدید و همچنین تلاش برای ایجاد گشایش‌های اقتصادی و کاهش هزینه‌های تحریمی، به‌طور مشخص درخواستی از سوی دولت سیزدهم برای این مهم انجام نشد و این مسئله تا پایان فعالیت دولت سیزدهم ادامه داشت. گویا دولت سیزدهم و تیم اقتصادی آن اعتقادی به حل FATF و خروج از لیست سیاه آن نداشتند و در این خصوص به خنثی‌سازی تحریم‌ها و به عبارت دقیق‌تر دورزدن تحریم‌ها فکر می‌کردند و برای این منظور تصویب لوایح دوگانه باقی‌مانده را مانعی بر سر دورزدن تحریم‌ها قلمداد می‌کردند. بی‌علاقگی دولت سیزدهم به حل مسئله FATF و نبودن این مسئله در اولویت‌های اقتصادی دولت قبل، انگیزه و بهانه‌ای برای طرح مجدد مسئله در مجمع تشخیص ایجاد نکرد و مسئله همچنان در این نهاد بلاتکلیف و مسکوت باقی ماند.

استقرار دولت چهاردهم این امید را برای اقتصاد کشور، فعالان اقتصادی و همچنین صاحبان کسب‌وکار ایجاد کرده که با جدیت حل مسئله FATF را در دستور و اولویت قرار داده و ضمن درخواست مؤکد از مجمع تشخیص مصلحت نظام برای بررسی مجدد لوایح دوگانه با توجه به تغییر شرایط، تکلیف این دو لایحه را روشن کند. به نظر می‌رسد دولت وفاق ملی می‌تواند با رایزنی و ارائه ادله کارشناسی برای برون‌رفت اقتصاد کشور از شرایط رکود کنونی، اعتماد اعضای مجمع را جلب کرده و زمینه بررسی مجدد لوایح دوگانه و تصویب نهایی آن را موجب شود. اظهارات رئیس‌جمهور پزشکیان و برخی اعضای کابینه نشان از آن دارد که در این خصوص رایزنی‌های ابتدایی شکل گرفته و در صورتی که چالش خارجی جدیدی برای کشور ایجاد نشود، در ماه‌های آینده تکلیف این دو لایحه نیز مشخص شده و زمینه برای خروج ایران از لیست سیاه و تحمیل هزینه‌های سنگین در مناسبات خارجی فراهم شود.

انتشارات شرق منتشر کرد

آگهی فقدان سند مالکیت

سند مالکیت ۲۴۱.۲۴ سهم مشاع از ۵۳۳۳ سهم ششدانگ یکقطعه زمین بمساحت ششدانگی ۲۴۱.۲۴ متر مربع بشماره پلاک ۸۲۲ فرعی از ۱۲ اصلی واقع در آستارا بخش ۳۲ گیلان که داری دفتر الکترونیکی بشماره ۱۴۰۲۳۲۰۳۱۸۰۱۰۰۰۲۵۰۴ بنام آقای فردین طنبوری فرزند علیقلی صادر و تسلیم گردیده است سپس نامبرده بموجب درخواست وارده بشماره ۱۴۰۳۲۱۷۱۸۰۱۰۰۱۱۲۶۷ - ۱۴۰۳.

۰۷.۱۵ و به پیوست فرم شهادت شهود اعلام نموده که سند مالکیت سند مالکیت ۲۴۱.۲۴ سهم از ششدانگ یکقطعه زمین پلاک فوق در هنگام جابجائی مفقود گردیده است و درخواست صدور سند مالکیت المثنی را نموده. لذا مراتب براساس ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت یک نوبت در روزنامه منتشر چنانچه هر کس اعم حقیقی و حقوقی مدعی حقی و یا وقوع معامله بنفع خویش و یا وجود سند مالکیت نزد خود میباشد از تاریخ انتشار این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز میتواند اعتراض خود را کتبا با ارائه اصل سند مالکیت و یا اصل سند معامله به این اداره اعلام و رسید دریافت نماید در غیر اینصورت برابر مقررات جاری ثبت و اقدام خواهد شد.

سرپرست ثبت اسناد و املاک ۶۰۵۴

برگ سبز، کارت موتور و سند کمپانی **موتورسیکلت** NS150 رنگ مشکی مدل ۱۳۹۵ به شماره پلاک ۱۳۴-۳۸۹۸۷ و شماره موتور ۱۴۴۵۱ و شماره شاسی ۹۵۴۸۸۴۸ به نام **سارا شکوهی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب اعظم شاه حسینی** فرزند علی اصغر به شماره شناسنامه ۵۵۹۷ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته حقوق قضایی صادره از واحد دانشگاهی تهران جنوب مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب به نشانی تهران، خیابان کریم خان زند، خیابان ایرانشهر شمالی، نبش آذرشهر، پلاک ۲۰۹ و یا کدپستی ۱۵۸۴۷۱۵۴۱۴ ارسال نماید.

بدینوسیله به آگهی می رساند مدرک فارغ التحصیلی **اینجانب فرزاد قربانعلی زاده** به کد ملی ۰۰۶۷۲۶۴۲۲۰ فرزند اسرافیل به تاریخ تولد ۱۳۶۰/۶/۲۲ ورودی سال ۱۳۸۲ موسسه آموزش عالی سوره مفقود گردیده و فاقد اعتبار است